

# هرج و مرج اقتصادی

( امور اقتصادی از مهمترین مسائل زندگانی نوع بشر است و ازارکان سیاست و امور اجتماعی ملتها میباشد. جنسکها بیشتر ناشی از مسائل اقتصادی است. ما میخواهیم در مجله آینده صفحات بیشتری بآن اختصاص دهیم. بچند نفر از نویسندگان که میدانستیم در این موضوع علم و اطلاع دارند مراجعه کردیم ولی فقط يك مقاله در این زمینه با رسیده که ذیلا از نظر خوانندگان میگذرد. آقایان ابتهاج ( رئیس بانك ملی ) و دکتر آقایان ( نماینده مجلس ) و بعضی دیگر نیز وعده داده اند که مقالاتی در این خصوص برای مجله بنویسند و بدین وسیله باریگر خاطر شریفشان رایاد آور میشوند — آقای دکتر آقایان در دورههای سابق مجله آینده نیز مقالات اقتصادی نوشته اند. همه بخاطر دارند که مرحوم داور مقاله بسیار شیرینی تحت عنوان « بحران » در شماره اول سال دوم آینده نگاشته بود که در دنباله آن نگارنده چند مقاله انتقاداً تحت عنوان « بحران تجارتي و سیاست اقتصادی » نوشته بود، با فرصتی بیشتر باز یکی از مسائل معضل اقتصادی را طرح و مورد بحث قرار میدهیم ) ( آینده )

\*\*\*

وضع اقتصادی امروز کشور ما طوری است که به جز هرج و مرج نام دیگری برای آن نمیتوان یافت. در سه سال گذشته دولتهای بی نقشه و بی علاقه و ناتوان هیچ قدمی برای بهبود وضع اقتصادی کشور برداشته و امروز یک هرج و مرجی در امور اقتصادی حکمفرماست که باستثنای طبقه حاکمه همه افراد مردم دچار زیان آن میشوند

میزان کل بازرگانی ما در سال ۱۳۱۹ (باستثنای فرستادههای نفت و ماهی و رسیدههای معاف) از حیث مقدار ۵۲۶۰۰۰ تن و از حیث ارزش ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال بوده است. سال گذشته میزان کل بازرگانی ما از حیث مقدار به ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ تن تقلیل یافته و ارزش آن بواسطه افزایش

بهای کالا بالغ بر ۷۵۰ ر ۲۱۹ ر ۲۳۱ ر ۲ ریال بوده است .  
شاخص هزینه زندگانی که در شهریور ۱۳۲۰ دوست و چهل و دو  
و کسری بوده در اسفند ۱۳۲۲ به ۲۰۸۵ رسیده و از آنوقت تا کنون باز  
هم بالا تر رفته است .

میزان اسکناس در گردش که در شهریور ۱۳۲۰ قسریب  
۱۰۰۰۰۰۰۰ ر ۱۷۹۹ ریال بوده اینک به هشت میلیارد رسیده است .  
در قسمت محصولات داخلی که مصرف آن در داخله کشور تامین  
میباشد کاهش فوق العاده ای رخ داده که حاکی از تقلیل قوای تولیدیه  
کشور میباشد . مثلاً محصول قند و شکر داخله که در سال ۱۳۱۹ بالغ به  
۲۵۰۰۰ تن بوده اینک به ۱۲۰۰۰ تن رسیده و محصول پنبه که ۳۳ هزار  
بوده به ده هزار تن رسیده است .

باستثنای کارخانه های دولتی که در نتیجه سوء اداره محصولشان  
کمتز شده و رو به مرگه زیان میدهند بقیه کارخانه ها که بدست  
شرکتهای سهامی اداره میشوند منافع کزافی برده اند که اگر چنین  
کاری را در کشورهای دیگر میکردند مدیران آنها را بجرم غارت و چپاول  
بزدان میفرستادند .

قضیه باربری بدست يك عده پیمان کار افتاده که ملیونها پول دولت  
را تلف کرده و میلیونها هم از راه باربری قاچاق به جیب خود میریزند  
و از اینراه برگرانی بهای کالا میافزایند و اداره باربری راه که برای  
نظارت در امر حمل و نقل ایجاد شده است سازمان غلطی برای خود داده  
که افراد کارمندان آن يك روزه راه صد ساله رفته و هر کدام در مدت  
کوتاهی به ثروت های هنگفت رسیده اند .

حقوق کارمندان دولت به تناسب افزایش هزینه زندگی ثرقی  
نکرده و با این سختی معیشت هر يك از کارمندان خود را ذبح می داند

که نادرستی بی‌مسئولیت را بردرستی بی‌منزلت ترجیح دهد •  
 قدرت حکومت مرکزی بواسطه حضور نیروی متفقین در قسمت  
 های مختلف وضع قوای تأمینیه کشور روبه زوال نهاده و اگر بیازم  
 بدین منوال پیش رود عواقب بدتری را ایجاد خواهد کرد •  
 ملك داران محصول خود را بهر قیمتی که میخواهند فروخته و  
 از تحویل قسمتی از آن بدولت که برای تأمین نان مردم ضرورت دارد  
 خود داری مینمایند •

بازرگانی که کالاهای مختلف داشته اند آنها را دست بدست  
 به یکدیگر فروخته و باسفته‌بازی و احتکار درین سه سال گذشته خون  
 مردم را مکیده و آنها را به شکل دلار بخارج فرستاده‌اند •  
 چیره بندی اجناس کم‌یاب و نظارت در قیمت‌ها بطرز مسخره آمیزی  
 شروع شد و پس از ورود مستشاران آمریکائی و جدیت آنها در تنظیم  
 این امور با مخالفتی مواجه شدند که آنها هم کاری از پیش نبردند و بازار  
 سیاه و ایادی آن بر آنها چیره گشت •

دولتهای موقتی و نمایندگان مغرض و آلوده ای که بمنظور نفع  
 شخصی روزی از يك دولت پشتیبانی کرده و روز دیگر موجبات سقوط  
 آنها فراهم می‌آورند بانضمام دستگاه دیکتاتوری سابق که با همان سنخ  
 فکر قدیم و همان کارکنان (منهای رئیس آن) نام دموکراسی را روی  
 خود گذاشته در سه سال گذشته طوری حکومت کرده اند که نتیجه  
 عملیات و اقداماتشان همین هرج و مرجی است که میبینیم •

طبقه حاکمه و ثروتمندان و ملك داران و سرمایه داران مانند قحطی  
 زردگان و گرسنگان به جان توده بدبخت و گنج و گمراه افتاده و باشتاب  
 هر چه تسامحتر به استثمار آنها پرداخته اند و سیاست « برای يك دستمال  
 قیصریه را باید آتش زد » چنان حکمفرما بوده است که ذره‌ای مال‌اندیشی

و فکر آینده در مغزهای پوسیده آنها راه نداشته است .

طبقه روشن فکر و تحصیل کرده که میفهمیده و توانائی حل مشکلات را داشته است دو دسته شده و یکدسته آن که جزو طبقه حاکمه بوده است راه و روش پدران را پیش گرفته و با استثمار مردم و پرکردن جیب خود پرداخته اند و دسته دیگر بواسطه فقدان اعتماد بنفس در عوض اتحاد و یگانگی بایکدیگر و همکاری برای ایجاد اصلاحات بجان یکدیگر افتاده و آلت دست این و آن شده و بالاخره از روی نا امیدنی صحبت از انقلاب و خونریزی میکنند !!

آنچه در بالا گفته شد خلاصه ای بود از هرج و مرج اقتصادی و سیاسی سه سال گذشته و اینک که جنگ اروپا رو به خاتمه میرود يك رشته مشکلات تازه ای در پیش است که معلوم نیست بچه طریق و بدست چه کسانی و باچه نقشه ای حل خواهد شد .

قضیه بیکاری هزاران نفر مردمانی که اکنون برای متفقین کار میکنند و بتدریج بیکار میشوند - نبودن کارهای عمومی مانند ساختمان راه آهن و راهها و کارخانه ها که در سالهای قبل از جنگ برای عدولزایی از مردم کار فراهم میکرد - ورشکستگی حتمی يك عده از سفته گران و محترکین که مقدمات آن از هم اکنون شروع شده است - افتتاح تدریجی روابط بازرگانی با کشورهای دیگر که پس از خاتمه جنگ آغاز خواهد شد و تنزل بهای کالاها و خارجی که شبیه آن در داخله کشور تهیه میشود و رقابت بین این دو که ممکن است تأثیر کلی در امور کارخانه های داخلی داشته باشد - قضیه تنظیم پول و تصمیم به اینسکه آیا دولت ایران پیشنهاد های کنفرانس اخیر پول را باید قبول کند یا نه مسئله حمایت از صنایع داخلی و تنظیم تعرفه کمر کی - برقراری صادرات بطرزیکه محصولات ایران بتواند در بازارهای خارجی با محصول سایر

کشورها رقابت کند و متوجه بودن باین نکته که با قیمتهای کنونی هیچ نوع صادراتی ممکن نیست - طرز تجارت کشورهای دیگر بویژه همسایگان - توسعه صنایع کشاورزی - تأمین رفاه برزگران کارگران که دیگر زیر بار اجحافات گذشته نخواهند رفت و بسیاری مسائل دیگر اقتصادی عنقریب به مشکلات کنونی اضافه شده و هرج و مرج فعلی را را شدیدتر و سختتر و هولناکتر خواهد کرد .

مشکلات کنونی و دشواریهایی که پس از جنگ پیش خواهد آمد همه قابل حل بوده و بزودی میتوان آنها را اصلاح نمود مشروط بر این که ما خواستار اصلاح بوده و با حسن نیت از روی حقیقت و صمیمیت کمر همت بسته و بر خلاف گذشته برای رفاه و آسایش اکثریت مردم کوشش و جد و جهد نماییم .

شروط اول موفقیت در راه اصلاح امور اقتصادی این کشور آن است که در کشور مادستگاهی بوجود آید که بجای تأمین منافع یک اقلیت کوچک خود خواه و طماع و خود پسند منافع و حوائج اکثریت ملت را در نظر گرفته و همه توجه خود را معطوف به بهبود وضع اقتصادی توده مردم بنماید و الا اگر به طبقه حاکمه کنونی اجازه داده شود که مانند سه سال گذشته هرچه خواست بکند باید روزهای هولناک تر و اوضاع بس وخیم تری را انتظار داشت .

آنچه در این مختصر گفته شد شمه‌ای از خرابیهای کنونی و احتمال شدت آن در آینده بوده و امید است که فرصتی بدست آید تا در مقالات بعد راه اصلاح هر یک از مسائل اقتصادی مورد بحث بتفصیل بیان شود .

# مطبوعات

تصمیم داریم که در هر شماره، برگزیده و خلاصه ای از مقالات مطبوعات کشور و حارجه را که مربوط بایران باشد با نظر انتقاد برای استحضار خوانندگان درج نماییم. بدیهی است مسئول نوشته ها خود نویسندگان هستند و ما برای اینکه مجله را آئینه افکار و عقاید عمومی معاصر قرار دهیم باین کار مبادرت مینمائیم.

نویسندگان که میل داشته باشند ما از آنها یادی بکنیم ( اعم از نشر آگهی مجانی یا نقل مطالب و تعریض و انتقاد ) يك نسخه از نشریه خود را بدفتري مجله آینده بفرستند. مادر این شماره بطور نمونه چند قطعه نقل می کنیم :

## عدالت اجتماعی

« قوانین را باید عادلانه اجرا کرد و اصلاح جامعه »

« را از طریق عدالت معنوی تامین کرد و عدالت »

« اجتماعی را بوجود آورد »

( از بیانات شاهانه در دعوت وزارت دربار )

جای شبهه نیست که چرخ جهاننداری فقط دور يك محور میچرخد و آن عدالت اجتماعی است، رحم، رافت، احسان، گذشت، علم، شجاعت، گرم، سخاوت هیچکدام در ترقی و سعادت يك کشور تاثیر ندارد. فقط يك چیز موثر است و آن عدالت اجتماعی است.

علمای اسلامی عدالت را به قرار دادن هر چیزی در محل خود تفسیر کرد اند «وضع لثی فیما وضع له». عفو بجای مجازات، رحم بجای کیفر، بوسه بجای مشت و هكذا بعکس: ظلم فرسنگها از عدالت دور است. عدالت آنست که هر چیزی را در محل خود قرار دهند.

تنها کشوری در دنیا ترقی کرده و خوشبخت شده است که عدالت اجتماعی در آن بر قرار بوده است.

کاردانی، لیاقت، اخلاص، شجاعت، رحم، سخاوت، عفوا و غماض همه در جای خود خوب و ستوده است ولی عدالت بر تمام آنها مقدم است. اداره کردن يك مملکت جز با عدالت اجتماعی معال است. عدالت اجتماعی یعنی اینکه عدالت عام باشد، نسبت بهمه کس یکسان اجرا شود، در باره هیچ کس تبعیض نشود.

اگر ملتی تا این اندازه از عدالت اجتماعی برخوردار بود و «قوانین را عادلانه اجرا کرد» آن ملت در حیات خود خوشبخت و مادتمند و در عرصه گیتی محترم و سربلند خواهد بود. الا هر اندازه بحفظ ظاهر و با بعقیده خود باصلاح امور بپردازد تمام مساعی او نقش بر آب است. اگر جز با عدالت ممکن بود مملکت ترقی کرده و ملت خوشبخت بشود در این بیست ساله که شب و روز ملت را با تازیانه ترغیب و ترهیب بغالیت وامی- داشتند و سعی میکردند که مردم از هر حیث همرنک و همدوش ملل متمدن و راقی دنیا گردند ایران چیزی شده بود. از برای ایران مدرسه ها ساختند موسسات درست کردند، تشکیلات دادند، قوانین حمایت صنایع داخلی و ترویج محصولات و مصنوعات وضع و آن را با شدت اجرا کردند، ایرانی را در حقوق با سایر افراد ملل قوی و زورمند دنیا برابر ساختند، کارگاهها و کارخانه های ملی که کسی تصور نمیکرد باین رودی عشر آن در ایران پیدا شود، تاسیس کردند، مملکت پراکنده از هم در رفته را بوسیله راه های شوسه و راه آهن بهم پیوستند، برای ایران ارتش ملی، صنایع ملی، اقتصاد ملی درست کردند، بافکار جامعه تکان دادند، دکان اوهام و خرافات را بستند، شالوده اتحاد ملل اسلامی را ریختند، از گریبان پیراهن گرفته تا استیل عمارت همه چیز را عوض کردند، دست دزدان و راهزنان را از دامن مسافرن کوتاه ساختند و بالاخره در تمام شئون زندگی تغییری بزرگ یا کوچک دادند ولی چون عدالت نبود و در تمام آن امور ظلم و بی عدالتی میرفت تمام آنها مثل حبابی بود که روی آب نقش به بندد و با اندک نسیم نا ملایبی محو و متلاشی گردید.

آری در آن روز همه چیز بودغیر از عدالت وای کاش هیچ نبودغیر

از عدالت زیرا عدالت خود بخود همه چیز را میاورد.

اکنون که ورق برگشته و هرج و مرج و فساد جای حکومت

دیکتاتوری را گرفته هیچ نیست و از آن جمله عدالت اجتماعی هم نیست.